هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادگرنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم –سال چهاردهم – شمارهٔ سیزدهم ۳۰ جوزای ۱۳۹۴ ۳ رمضان المبارک ۱۴۳۶ 20 June 2015



رمضان

پیام آور انقلاب

نوشتهٔ: شهید استاد برهان الدین ربانی

سال ۱۳۶۵

ص۳

رمضان، ماه مهمانی خدا بر مسلمانان مبارک باد

پیام صلاح الدین ربانی

رئیس جمعیت اسلامی افغانستان و وزیر امور خارجهٔ کشور بمناسبت ماه مبارک رمضان

مردم مجاهد و شریف افغانستان!
حلول ماه مبارک رمضان، ماه مهمانی خدا، برکت، رحمت و بخشش، بـه همگی تان مبارک باد.

ماه مبارک رمضان، فرصتی است بـرای صیقل بخشیدن روح و تزکیهٔ نفس و مهـار خواسته های آزمندانهٔ نفسانی انسان هـا و همچنان فرصتی است برای درک وضعیت افراد ناتوان جامعه توسط افـراد توانگـر و یاری رساندن به آن هـا و تقویت روحیهٔ همکاری جمعی در جامعه.

از مخالفان مسلح دولت می خواهم که به احترام ماه مبارک رمضان، از خشونت دست کشیده و به مردم اجازه بدهند که با آرامش خاطر، بتوانند فرایض الهی و عبادی شان را ادا کنند.

نشست فوق العادهٔ وزرای امور خارجهٔ سازمان همکاری های اسلامی در شهر جده، پیرامون اوضاع یمن

محترم صلاح الدین ربانـی وزیـر امـور خارجـهٔ جمهـوری اسلامی افغانستان، بعد از ظهـر ۲۶ جـوزای سـال جـاری، در نشـست فـوق العـادهٔ شـورای وزرای امـور خارجـهٔ سـازمان همکاری های اسلامی، پیرامون اوضاع یمن کـه در شـهر جدهٔ کشور شاهی عربستان سـعودی برگـزار گردیـده بـود، اشـتراک نموده، در سخنرانی خویش، بـر ضـرورت حمایـت از تمامیـت ارضی، وحـدت ملـی، حاکمیـت ملـی و اسـتقلال یمـن تأکیـد ورزیده، ضـمن اعـلام حمایـت کشورش از مردم یمن، خواهـان



حل بحران و تأمین صلح و ثبات و امنیت پایه دار در این کـشور از طریق مـسالمت آمـیز و گفتگـو های سازنده سیاسی گردید.

بقول خبرنامـهٔ وزارت امـور خارجه، آقـای ربـانی از تـلاش های جامعهٔ جهـانی، بـه شـمول سـازمان ملـل متحـد، سـازمان همکاری های اسلامی، اتحادیـهٔ کـشور هـای عـرب و سـازمان همکاری های خلیج، بـرای حـل بحران یمن از طریق دیالوگ و یا گفتمان ملی اظهار قدردانی نموده و بر ضرورت مبرم همکاری های بشر دوستانهٔ جامعـهٔ جهـانی بـا مردم یمن تأکید نمود.

وزیر امور خارجهٔ کشور در نشست تحت عنوان دیالوگ حقوق بشر- حکومت جمهوری اسلامی افغانستان و اتحادیهٔ اروپا:

دیگر در افغانستان فرهنگ مصونیت از مجازات جای نخواهد داشت

ص۴

مادهٔ ۸۳ قانون اساسی نیازی به تفسیر ندارد

پوهنمل سید عنایت الله شاداب

هرکس از ظن خود شد یار من
وز درون من نجُست اسرار من
ملای روم

به گونهٔ مقدمه باید یاد آور شد کـه پروسـهٔ انتخابات افغانستان به صورت عـام و انتخابـات مجلس نماینده گان بـه گونـهٔ خـاص، چگونـه بحران های را هسته گـذاری نمـوده اسـت کـه اکنون همهٔ ما پیامد های آزار دهندهٔ آنهـا را بـه گوشت و استخوان خود لمس می کنیم.

ص۲



کنفرانس بین المللی صلح در اسلو و صلح در افغانستان

روز سه شنبه ۱۶ جون کنفرانس صلح با شـرکت وزرای خارجه و شخـصیت هـای مهـم ۱۵۰ کـشور جهان در اسلو پایتخت ناروی گـشایش یافـت. این کنفرانس همه ساله به منظور بررسی راه های رسیدن به صلح در کشور های درگـیر بحـران و جنـگ در ناروی برگزار می گردد و در نشـست امـسال روی مشکلات و چالش های فراروی صلح در کشور های افغانستان، یمن و سومالیا

ص۶

رمضان

ماه مبارزه با نفس ص۲

نامهٔ امارت به خلافت! ص۲

روژه د نفس پاکولو میاشت، څه غوبتنې لري؟ ۶مخ

مسمومیت دانش آموزان دختر در برخی ولایات ص۷

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیئت تحریر
آدرس: کوچهٔ اول سرک لیسهٔ نادریه – عقب تلویزیون نور.
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵ / ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

رمضان ماه مبارزه با نفس!

در ماه مبارک رمضان، انجام سومین رکن اسلام قرار داریم. این ماه تقوی، پرهیزگاری، طهارت، برکت، رحمت، مغفرت، ماه عبادت و تزکیهٔ نفس، ماه رسیده گی و دستگیری محرومان و مستمندان را برای مسلمانان افغانستان و جهان مبارک باد می گوییم.

امیدواری بر این است در رمضان، توفیق بهره برداری از فیوضات این ماه، به پا داشتن روزه و شب زنده داری بمنظور عبادت، کمک به محرومین و مستمندان، مبارزه با هوای نفس را عنایت بفرماید و همه مسلمانان را مشمول بخشش و رحمت گرداند. از آنجایی که ماه رمضان، بیشتر از ماه های دیگر، ماه خودسازی و ماه مبارزه با نفس است، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند: از راه گرسنگی و تشنگی با نفس خود جهاد کنید که پاداش آن همانند پاداش کسانی است که در راه خدا جهاد کرده اند.

بر همگان است تا در این ماه، روابط نیک و صمیمی با همه، بخصوص دوستان و نزدیکان داشته باشند. کینه، کدورت و رنجش را کنار بگذارند. ستیزه جویی و جنگ راه حل قضایا نیست، باید از آن امتناع کرد و به صلح، آشتی و همدیگر پذیری که هیچ کسی متضرر نشود، روی آورد. این ماه، علاوه از تزکیهٔ نفس، ماه تزکیهٔ مال نیز است که با دادن زکات – چهارمین رکن اسلام – در سفرهٔ فقرا نیز تغییر مثبتی رونما گردد.

از این که در این ماه، تقاضای تهیهٔ مواد اولیه برای شهروندان نسبت به ماه های دیگر بیشتر می باشد، بر عرضه کننده گان مواد اولیه است تا از گران فروشی امتناع ورزند.

مردم افغانستان که طعم تلخ نا امنی و خشونت را چشیده و رنج های فراوانی را متحمل شده اند، در همه اوقات به خصوص در رمضان، از جوانب درگیر در کشور می طلبیم، از جنگ دست بردارند و راه تفاهم برگزینند تا امنیت سراسری در کشور ما حاکم و شهروندان این کشور دیگر شاهد جنگ، بدامنی، کشتار و در دلهره زیستن نباشند.

همچنان از سازمان کشورهای اسلامی می طلبیم با درنظرداشت وضعیت مسلمانان در برخی کشورهای اسلامی بخصوص کشتار و اذیت مسلمانان در میانمار، که غیر قابل تحمل است و قلب هر فرد دارای احساس را جریحه دار می سازد، به این امر مهم رسیده گی کند و نشست فوق العادهٔ کشورهای عضو را، در مطابقت با منشور این سازمان دایر و برای دفاع از حقوق مسلمانان تصمیم جدی اتخاذ نماید تا فشار و هشداری باشد به افراد، حلقات و کشورهایی که بالای مسلمانان ظلم روا می دارند.

نامهٔ امارت به خلافت!

وحید مژده

از مدتی بدینسو خبر از درگیری میان طالبان و نیروهای منسوب به داعش در شرق افغانستان می رسد. شاهدان عینی از حضور گروهی تازه نفس با پرچم های سیاه در ولسوالی های مهمند دره، بتی کوت و سایر مناطق خبر می دهند.

این گروه که مردم محل آنها را به نام داعش می شناسند، با مردم تماس اندک داشته و اکثریت آنان با مردم سخن نمی گویند. آنها در هر محلی که حضور می یابند به مردم اعلام می دارند که کاری به کارمندان دولت، افراد پولیس و اردوی ملی که یونیفورم به تن نداشته باشند، ندارند و اگر این افراد به این روستا ها رفت و آمد کنند، خطری متوجه شان نخواهد بود. آنها فقط در جستجوی طالبان اند و آنها را در هرجایی که بیابند، خواهند کشت.

در جنگ میان این دو گروه، ظاهراً طالبان مجبور به عقب نشینی از بعضی مناطق شده اند. با وجود اینکه گروه منسوب به داعش، تا اکنون لااقل ده تن از طالبان را سر بریده اند، طالبان در ولایت ننگرهار تا اکنون در برابر آنان دست به اقدام جدی نزده و ترجیح داده اند تا عقب نشینی کنند.

کار این دو گروه فقط در جنگ در داخل افغانستان محدود نمانده است. چند روز قبل طالبان از ترور یکی از افراد مهم شان مولوی میراحمد گل هاشمی مسوول جهادی ولایت ننگرهار در شهر پیشاور خبر دادند. هرچند طالبان گروهی خاص را به ترور وی متهم نکردند اما در اعلامیهٔ آنان این کار به دشمنان جهاد و اسلام نسبت داده شده بود. گفته می شود که وی بدست افراد وابسته به مولوی مسلم دوست ترور شده است. مولوی عبدالرحیم مسلم دوست یکی از اولین کسانی است که از افغانستان به رهبری داعش اعلام بیعت کرده در مصاحبه با بی بی سی گفته بود که، طالبان مزدوران پاکستان اند و ما با آنها می جنگیم.

اما طالبان در همه جا در برابر این گروه ضعیف عمل نکرده اند؛ در ولایت فراه یک گروه از افراد منسوب به داعش مورد حملهٔ طالبان قرار گرفتند و همه کشته یا دستگیر شدند. طالبان که امسال عملیات بهاری را با نام عزم آغاز کرده اند، اکنون تحت فشار های روز افزون از جانب پاکستان از یکطرف و گروه تازه به میدان آمدهٔ منسوب به داعش از جانب دیگر قرار گرفته اند.

دولت پاکستان که می خواهد تمام مشکلات خود از جمله موضوع دیورند را با دولت وحدت ملی حل نماید، به ملا اخترمحمد منصور پیغام فرستاد که طالبان باید سه موضوع را بپذیرند:

در مدت یک ماه جنگ علیه دولت افغانستان را متوقف سازند.

توافق نامهٔ امنیتی پاکستان با دولت کابل را بپذیرند که برسمیت شناختن دیورند بخش مهم آنرا تشکیل می دهد.

مذاکرات مستقیم صلح با دولت افغانستان را تحت سرپرستی پاکستان آغاز کنند.

ملا اختر محمد منصور تصمیم گیری در این مورد را بالاتر از صلاحیت خود دانست و گفت که در این مورد باید رهبر طالبان تصمیم بگیرد.

از طرف دیگر فرماندهان طالبان در شرق افغانستان مصرانه خواهان موقف روشن و واضح رهبری شان در مورد جنگ با گروپ های منسوب به داعش بودند. سرانجام فیصلهٔ طالبان بر این شد که نامهٔ به داعش بفرستد و این نامه نه از جانب رهبر طالبان، بلکه از جانب نایب وی ارسال گردد.

نامهٔ ارسالی به امضای اختر محمد منصور به ابوبکر بغدادی را می توان نوعی اتمام حجت از جانب طالبان به داعش دانست. در این نامه تصریح شده که، موفقیت های طالبان در جنگ علیه امریکا به وحدت قیادت آنان مربوط بوده که ناشی از تجربهٔ دوران جهاد است. در دوران جهاد علیه شوروی، تعدد گروه های مجاهدین موجب شد تا بعد از پیروزی، ثمرهٔ جهاد این ملت و خون یک و نیم میلیون شهید با خاک یکسان گردد.

لحن نامه مودبانه است اما ظرافت هایی در آن نهفته است که می تواند هشدار تلقی گردد. مثلاً در نامه اشاره شده که رهبران بین المللی جهاد همه شاگردان مدرسهٔ جهاد افغانستان اند. این اشاره تلویحاً به این معنی است که استادان شما شاگردان مجاهدین افغان اند و ما بر شما فضل تقدم داریم.

در نامه اشاره شده که ملامحمد عمر در نتیجهٔ تصمیم و بیعت شورای اهل حل و عقد متشکل از ۱۵۰۰ نفر از علما به قیادت امارت برگزیده شده و شخصیت های بزرگ فقهی جهان اسلام چون الشیخ حمود بن عقلاء الشعیبی و رهبران جهادی مشهوری چون اسامه بن لادن این امارت را تائید و با قاید آن بیعت کردند. از فحوای کلام می توان چنین برداشت نمود که طالبان می خواهند به ابوبکر بغدادی بگویند که، ملامحمد عمر بعنوان امیرالمؤمنین توسط شورای حل و عقد متشکل از ۱۵۰۰ نفر شامل علما و مجاهدین افغان و عرب برگزیده شده بنا براین زعامت رهبر طالبان از مشروعیت برخوردار است اما ابوبکر بغدادی خلیفهٔ خود ساخته است که در مورد انتخابش اجماع مسلمانان صورت نگرفته است.

در نامه آمده است که، در طول سال های گذشته دشمنان تلاش کردند تا صف واحد طالبان را متلاشی سازند اما موفق نشدند. در چنین شرایط حساس، یاران شما نباید دست به کاری بزنند که صف واحد جهاد از هم پراکنده شده و امید های دشمنان تحقق یابد. در نامه تاکید شده که از نظر امارت اسلامی، ایجاد گروه های موازی، مخالف جهاد، مجاهدین و مصالح اسلامی است. اگر در اینجا از طرف کسانی که خود را به شما منسوب می سازند، برای امارت اسلامی مشکلی بمیان آید، تمام مسلمانان جهان از شما ناراض خواهند شد.

در نامه از ابوبکر بغدادی خواسته شده که، تحت تاثیر مشورت های افراد مغرض قرار نگیرد و از فاصلهٔ دور در مورد مسایل افغانستان قضاوت نه نموده و در امور افغانستان مداخله نه نماید.

اکنون باید دید که جواب البغدادی به این نامه چه خواهد بود؟ آیا وی افراد منسوب به داعش در افغانستان را از خود می داند و یا از آنان ابراز برائت می نماید؟ جواب به این سوالات می تواند برای آیندهٔ جنگ و صلح در افغانستان مهم باشد.

مادهٔ ۸۳ قانون اساسی نیازی...

در مرحلهٔ کنونی از یک طرف مردم ضمن گردهمایی های که تشکیل می دهند، از بیکارگی نماینده گان خود شکوه سر می دهند، از جانب دیگر گروه های هم هستند که با محرومیت از دانش فنی حقوق و سیاق و سباق مواد قانون اساسی، چشم بسته حرف های را به زبان می آورند که اگر به محتوای گفته های آنان جامهٔ عمل پوشانیده شود باید خویشتن را آمادهٔ رویارویی با بحران های دیگری سازیم که خدا از عواقب آنها، ملت ما را نگه دارد.

بدون شک همه این نابسامانی ها از کارکرد های کمیسیون های انتخاباتی آبیاری می شوند که بخاطر خدمت گزاری به مراکز قدرت و تعمیل اوامر و فرمان های آنان صورت پذیرفته است.

درمان درد کنونی که احاد ملت ما از آن رنج می کشند، نه از طریق بازگو کردن کاستی ها در کار وکیلان – که شاید به جا هم باشد – انجام پذیر است و نه هم می توان این درد را از طریق گلو پاره کردن اطرافیان میز گرد ها در رسانه های دیداری و شنیداری – که هر یکی به این بهانه برای لیلای خود نغمه سرایی می کند – به مداوای آن پرداخت.

در چنین حالتی که کارگذاران نهاد های مربوط به قدرت های حاکمه مسوولیت آن را به دوش دارند، نخست باید به تحلیل و کالبد شگافی مادهٔ هشتاد و سوم قانون اساسی بحیث یک نص یا متن قانونی پرداخت و دید که عبارت النص این مادهٔ قانونی چه مفهومی را افاده می کند و سپس با در نظرداشت فضای حاکم از نگاه قانونی که عمل کردن به حکم آن ماده را در حال تردد قرار داده است، چه راه حل را می توان ارایه کرد.

بر بنیاد آنچه گفته آمد در گام اول باید دومین فقرهٔ مادهٔ هشتاد و سوم را در محراق توجه قرار داده و بعداً به ارایهٔ راه قانونی آن پرداخت.

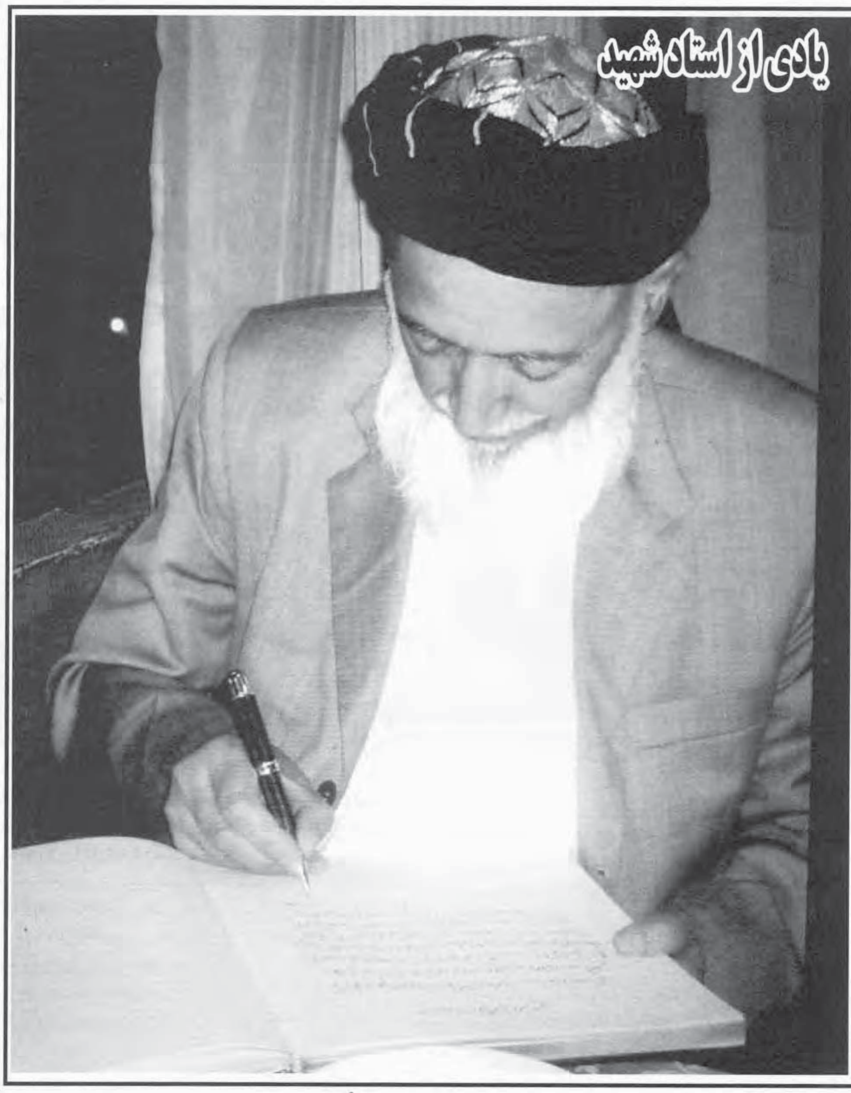
این ماده که شامل چند فقره می باشد، مطلب اساسی در آن، همان فقرهٔ دوم است که می گوید: "دورهٔ کار ولسی جرگه به تاریخ اول سرطان سال پنجم، بعد از اعلان نتایج انتخابات به پایان می رسد و شورای جدید به کار خود آغاز می کند"

فهم زبانی این فقره بیانگر این مطلب است که پایان یافتن کار مجلس نماینده گان مقید به اعلان نتایج انتخابات جدید است، و استناد به پایان کار مجلس نماینده گان به گونهٔ مطلق بدون مراعات قید اعلان نتایج انتخابات به دور از فهم زبان حقوقی این ماده می باشد.

حالا که اعلان نتایج انتخابات مجلس نماینده گان صورت نگرفته است تکلیف این مجلس چیست و با این حالتی چگونه معاملهٔ قانونی صورت گیرد؟

در چنین حالتی می توان با اصل (استصحاب) به حیث یک منبع فقهی و قانونی استناد جست که همان " ابقا ماکان علی ماکان " است، و در روشنایی این اصل ادامهٔ کار مجلس نماینده گان با صلاحیت های قانونی آن مشروعیت دارد تا از یک طرف خلای قانونی پیش نیاید و سدی باشد از بروز استبداد، از طرف دیگر نظام به فقدان یکی از پایه های اساسی خود که همان قوهٔ تقنینیه است مواجه نگردد. و محل اعراب اصل استصحاب هم در همچو مواردی است که یک اصل حقوقی در معرض تردد قرار گیرد که در این جا همان ادامهٔ و عدم ادامهٔ کار مجلس نماینده گان است.

حرف اخیر هم اینکه به خاطر رفع همچو حالت استثنایی و اضطراری باید هرچه عاجل مقامات ذی صلاح از طریق مجاری قانونی انتخابات را برگزار نمایند. و وضع به حالت عادی خود برگردد تا نظام مردمی حاکم چهرهٔ خود را به گونهٔ واقعی باز یابد.



رمضان
پیام آور انقلاب

■ **نوشتهٔ استاد برهان الدین ربانی شهید**

برگرفته از مجلهٔ میثاق خون شمارهٔ سوم- سال۱۳۶۵

اسلام آئین انقلاب و پیام آور دگرگونی ها و اصلاحات عمیق سازنده و بنیادیست. در نظر اسلام، انسان ظلوم و جهول سرمنشاء همه تغییرات سیاسی اجتماعی و اقتصادی فکری و فرهنگیست و چون تغییر بنیادی در انسان رونما گردد، انقلابی در همه چیز و همه جا به میان می آید هیچ نوع تحول سیاسی، اجتماعی مثبت و سازنده را نمی توان انتظار داشت تا در اعماق روح و فکر، مشاعر و سلوک انسان تغییرات مثبت و سازنده به میان نیاید.

ترجمه: (همانا خداوند در ملتی تغییری به میان نمی آورد تا افراد آن در خود تغییری به میان نیاورند.)

تغییر و تحول در افراد انسان سر آغاز همه دگرگونی هاست. آری! تا زمانیکه غرایز سرکش افراد مهار نگردند و تابع نظم و قانون نشوند، نمی توان نظم و قانون را در جامعه یی پیاده کرد، و اگر هم بزور سر نیزه قوانین و مقررات در میان ملتی پیاده گردد کم دوام و زودگذر خواهند بود و اگر برای مدتی همه ادامه یابند، سرانجام از درون فرسوده و فاسد شده، نابود و منقرض می گردند. بلی! انسان است که از رهگذر عقیده و عمل تغییر می نماید و با تغییر او در همه ابعاد زندگی تحولات و دگرگونی محسوس می گردد.

از اینجاست که آئین انسان ساز اسلام در سرآغاز انقلاب جهانی خود طرح و برنامهٔ تغییرات انقلابی در افراد و احاد مردم را به حیث پایه های مستحکم انقلاب دوران ساز اسلامی آغاز می نماید. برنامه های انقلابی اسلام عنوان یک آهنگ خشک و بی روح عاطفی و با طرح مجرد و خیالی و با مقررات قهری پولیس را ندارد که فقط در الفاظ شیوا و تصورات ذهنی در چارچوب تعقیب و جستجو و نظارت خلاصه گردد، بلکه در اعماق روح و خفایای ذهن و شعور انسان ریشه داشته و در پیدا و پنهان بحیث قدسی ترین راه قبول شده در قول و عمل، سلیقه و احساس، ذهن و سلوک، تبارز می نماید.

روزهٔ ماه مبارک رمضان یکی ازین برنامه های انقلابی اسلام است که غرایز سرکش انسان را در چار دیوار تقوی و طهارت، نظم و اطاعت رهبری و انسجام می بخشد، زبان و بیانش را کنترول می نماید، اندیشه و فکرش را درست توجیه می نماید، پیامبر گرامی درین باب می فرمایند: ترجمهٔ حدیث: (چون روز روزه یکی از شما باشد پس هرزه سرایی نکند، دشنام ندهد و هر که کسی او را نفرین دهد در جواب اظهار نماید من روزه دارم، روزه دارم).

یقیناً چون مسلمان روزه گیرد در تربیت گاه انقلابی صیام زبان و بیانش مهذب شد، از طعن و لعن احتراز می جوید، جواب بدی را به زشتی نمی دهد و تنها اینکه با قلب قوی و ارادهٔ مستحکم کنترول اعصاب خود را در برابر تعرض و تجاوز حفظ می کند به عنوان یک معلم دلسوز و آگاه، عصیانگران را توجیه و رهنمایی می کند. از اخلاق روزه دار نیست که دیگران را بیازارید. و چون مورد آزار قرار بگیرد، شعار اینست: آغا خود را بیهوده رنج مده هر قدر دشنامم دهی جوابت را نمی دهم چه من روزه دارم. و هرگاه روزه داری، در حال روزه چنین تغییر و تحول انقلابی در خود احساس نکند و خون را به خون بشوید و جواب پس شو را به گُم شو بدهد و به بهانهٔ اینکه ماه رمضان و او روزه دار است بر فرق هرکی بکوبد و به هر کسی نفرین و لعنت بگوید و در فعل و قولش تغییر احسن محسوس نگردد چنین روزه داری به شهادت پیامبر گرامی صلی الله علیه وسلم، بهرهٔ جز جوع و عطش از روزه نبرده است. آنجا که می فرماید، ترجمهٔ حدیث: (کسیکه در دوران ماه صیام و در حال روزه حرف دروغ و عمل به دروغ را ترک نگوید، خداوند هیچ نیازی به ترک خوردن و نوشیدن او ندارد.)

آری! روزهٔ مسلمان با جوع و عطش جبری حیوان فرق دارد، روزه پیش از آنکه پوزبند معده و دندان باشد، تربیت گاه نفس و جان و تهذیب زبان و بیان است. روزه چتر دفاعی و سد وقایی از هجوم مفاسد است، روزه دار حقیقی از ارتکاب فواحش در امان می ماند، با وجود خلاهای زیاد که در ادای واجب روزه محسوس است نظر به شهادت همه دستگاه های اطلاعاتی در دوران ماه مبارک رمضان، گراف وقوع جنایات مختلف نسبت به سایر شهور کمتر است. هدایت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم که فرموده اند، ترجمه حدیث: (روزه سپر و وقایه است) همین مفهوم را می دهد، این تغییر انقلابی در میان جوامع مسلمان بیانگر این حقیقت است که هرگاه مسلمانان فریضهٔ روزه را مطابق شرایط آن انجام دهند امت اسلامی از لوث گناه کاملاً پاک می گردد.

مسلمان در تربیت گاه صیام درس صبر و استقامت فرا می گیرد، صبر روحیهٔ انقلابی می خواهد، هر انسانی قادر نیست در برابر رنج و محنت ثابت قدم و استوار ماند و در تحت فشار هجوم غرایز اغواگر و سرکش تسلیم نشود، و تنها روزه داران صابر اند که توان و همتی از خود نشان می دهند. بلی! فقط آن روزه داران که در تربیت گاه انقلابی صیام درس صبر و شکیبایی فرا می گیرند. چه شیوا فرمودهٔ پیامبر صلی الله علیه وسلم که این ماه را ماه صبر خوانده است. ترجمهٔ حدیث: ص۶

وزیر امور خارجهٔ کشور در نشست تحت عنوان
دیالوگ حقوق بشر- حکومت جمهوری اسلامی افغانستان و اتحادیهٔ اروپا:

دیگر در افغانستان؛
فرهنگِ مصونیت از مجازات جای نخواهد داشت

(گفتمان حقوق بشر میان جمهوری اسلامی افغانستان و اتحادیهٔ اروپا) نخستین گفتمان در مورد حقوق بشر بود که بتاریخ ۲۵ جوزای سال روان در کابل برگزار شد. این گفتمان با سخنرانی افتتاحیهٔ محترم صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجهٔ جمهوری اسلامی افغانستان آغاز گردید. که قسمت هایی از بیانیهٔ شان را در همین صفحه می خوانید.

ریاست هیئت جمهوری اسلامی افغانستان را، که در ترکیب آن اعضایی به سطح معینان وزارت ها شامل بودند، عتیق الله عاطفمل معین اداری وزارت امور خارجهٔ کشور به عهده داشته و ریاست هیئت اتحادیهٔ اروپا را، که ترکیب آن مشمول اعضایی به سطح سفرا بود، آقای فرانز مایکل میلبن نمایندهٔ خاص و رئیس هیئت اتحادیهٔ اروپا در افغانستان به عهده داشت.

در این گفتمان روی وضعیت حقوق بشر در افغانستان و همکاری ها میان اتحادیهٔ اروپا و افغانستان، در زمینه حقوق بشر و حاکمیت قانون، تبادل نظر صورت گرفت. و موضوعات مختلف؛ منجمله حقوق زن، حقوق اطفال، مجازات اعدام، شکنجه، دسترسی به عدالت، آزادی بیان و حقوق افراد آسیب پذیرجامعه و معلولین مورد بحث قرار گرفت. اتحادیهٔ اروپا از اقدامات جمهوری اسلامی افغانستان در سال ۲۰۱۵، که شامل پلان عمل ملی برای زنان، صلح و امنیت و پلان عمل ملی علیه خشونت می باشد، استقبال نمود.

جانب افغانستان بر عملی ساختن مکلفیت های ملی و بین المللی خویش متعهد می باشد. اتحادیهٔ اروپا روی تعهد خویش مبنی بر همکاری در راستای تقویت حقوق بشر و حاکمیت قانون در افغانستان تأکید نموده، دولت افغانستان را به تصویب پروتوکول اختیاری کنوانسیون منع شکنجه تشویق نمود.



حضار محترم، آقای میلبن، نمایندهٔ خاص اتحادیهٔ اروپا برای افغانستان، نمایندگان کشور ها و سازمان های بین المللی مقیم کابل و مسوولان ادارات دولت!

السلام علیکم و رحمت الله و برکاته!

نشست امروز به هدفِ گفتگو و ایجادِ زمینه های هماهنگی دولتِ وحدت ملی با همکاران بین المللی افغانستان در اتحادیهٔ اروپا، در راستای پاسداری و نهادینه کردن مسایل و ارزش های حقوق بشری است.

دولت وحدت ملی باور دارد که موضوع حقوق بشر، به یک گفتمانِ کلانِ ملی بدل شود که با برنامهٔ امروزی، در حقیقت، ما آن را به صورت جدی آغازمی کنیم.

حضار گرامی!

تعهد دولت وحدت ملی، برای پاسداری از ارزش های حقوق بشری مشمولِ حقوق زنان، کودکان، معلولین، آزادی بیان و رسانه ها، تنها به خاطر تعهدات بین المللی ما نیست؛ بلکه پاسداری از حقوق بشر، یک ضرورت حیاتی در راستای دست یابی جامعه و کشور، به توسعه و رفاه جامعه می باشد، زیرا در دنیای امروزی، میزان رعایت حقوق بشر و دسترسی شهروندان یک کشور به حقوق اساسی شان، ملاک توسعه و پیشرفت آنکشور شمرده می شود.

حق مردم افغانستان است که مثل مردمانِ دیگرکشورها، در فضای آزاد سیاسی، اجتماعی و مدنی زندگی کنند، و به عنوان شهروندان مسوول، ازهمهٔ حقوق طبیعی شان برخودار بوده در صلح، آرامش و امنیت زندگی کنند. دولت وحدت ملی، خود را مکلف به دست یابی شهروندان این کشور به این حقوق اساسی شان می داند.

حضار محترم!

در چهارده سال اخیر، با توجه به تعهداتِ بین المللیِ دولتِ افغانستان، کار هایی در راستای حمایت و پاسداری از حقوق بشر صورت گرفت، و می خواهیم در راستای نهادینه شدنِ این ارزش ها بیشتر از پیش کار شود. دولت افغانستان در ماه نوامبر سال گذشته در کنفرانس لندن تعهد سپرد که کار در راستای حقوق بشر، یکی از اولویت های کاری اش در دههٔ تحول است، و به همین اساس، این برنامهٔ امروزی، گامی در راستای عملی سازی این تعهدات می باشد.

حضار محترم!

در چند سال گذشته شاهدِ افزایشِ حضور و مشارکت زنان افغانستان در بخش های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی امنیتی بوده ایم. دولت وحدت ملی نیز مطابق وعدهای که سپرده بود، در راستای حمایت از حقوق زنان و برجسته سازی نقش آن ها در حکومتداری خوب، چهار وزیر زن را شامل کابینهٔ جدید ساخت و تا اکنون، یک زن، به عنوان والی برگُزیده شده است.

دولت وحدت ملی، به نقش زنان در بخش های دیگر حکومت به صورت جدی پایبند است و در ماه های آینده، شاهد حضور بیشتر زنان در بخش های مختلفِ بدنهٔ حکومت، از جمله در میان سفرای جدید افغانستان خواهیم بود.

در زمینهٔ آزادی بیان و رسانه های آزاد، طی چهارده سال اخیر، پیشرفت های خوبی داشته ایم. باور من این است که دست آورد ما در زمینهٔ رسانه های آزاد و آزادی بیان، یکی از مهمترین دست آورد های نظام سیاسی کنونی کشور است، افغانستان در این بخش، نسبت به همه کشور های منطقه، وضعیت خیلی ها بهتر دارد.

شما آگاه هستید که جناب رئیس جمهوری کشور، در نخستین روز های کاری اش، " قانون حق دسترسی به معلومات" را توشیح کرد. این که گام بلندِ دولت وحدت ملی در راستای نهادینه کردن و تقویتِ آزادی بیان در کشور بود.

مقاومت نه تسلیم!

همنوا

یک سال از حکومت داعش بر موصل عراق می گذرد. شاید مردم دنیا تعجب کنند که چرا یک شهر مهم عراق به دست گروه داعش یا دولت اسلامی است و چرا دولت عراق توان آن را ندارد که این شهر را از تصرف آن گروه خارج سازد!

در این مورد سوالی مطرح می شود که چرا در کشور ما افغانستان، زمان کودتای هفت ثور در مدت کمتر از دو روز قدرت سیاسی از نظام داوود خان به گروه خلق و پرچم منتقل شد و هیچ شهری نتوانست از نظام قبلی، دفاع کند و یا برای بقای آن بجنگد!

ما اردوی منظم داشتیم و در اکثر ولایات فرقه ها و تشکیلات نظامی وجود داشت ولی فقط چند برخورد سطحی و زود گذر صورت گرفت و همه به شمول اردو منتظر شنیدن رادیو بودند و زمان اشغال رادیو اعلام سرنگونی نظام داوود خانی، همه بی مورال و بی روحیه شدند و سلاح ها را بر زمین گذاشتند و یا به نظام نو، سلامی زدند!

آیا صاحب منصبانی که به نظام نو تشکیل سلامی زدند، همه در نظام انقلابی جذب و ترفیعات گرفتند؟! یا اینکه تعدادی از آنان توسط کودتاچیان دستگیر و بلافاصله اعدام گردیدند! پس در صورت از بین رفتن چرا لازم نبود تا مقاومت می کردند یا یک خطر را برای نظام نو به میان می آورند و یا به تدریج قدرت سیاسی را از دست کودتاچیان به دست خود می گرفتند و کشور را از تباهی و بدبختی روز افزون نجات می دادند.

اما شاید برخی ها بگویند که قدرت سیاسی در مرکز بود و همه امکانات پیشرفته در دست خلقی ها بود، آنها طیاره ها داشتند و قوای مجهز در کابل بود و هر حرکت ضد دولتی را سرکوب و خنثی می ساختند و.......اما:

نبود انگیزه و دلیل برای بقای نظام قبلی در رهبری خود سر و دیکتاتور نظام قبلی که در روز دوم با همه خانواده و نواسه هایش توسط دشمنان انسان و حقوق بشر به قتل رسیدند، می تواند یک دلیل ضعیف باشد اما بدبختی دوامدار کشور و بلای بزرگی که بر ملت ما تحمیل شد از دیکتاتوری سرخ کمونستی و تجاوز شوروی وقت و تباهی و ویرانی کشور و شهادت دو میلیون انسان بی گناه در سرزمین ما به مراتب شدیدتر از تسلیم و سرخمی در برابر کودتاچیان بود.

امروز می بینیم که داعش بر نیمی از سوریه حکمروایی دارد بر شهرهایی از عراق تسلط دارد، اما دشمنان داعش توان بیرون راندن داعش را از این شهر ها ندارند. اما حمایت امریکا از حکومت های عراق و سوریه در بمباران هوایی مواضع داعش در این دو کشور بر همگان واضح است!

چگونه نیروی هوایی امریکا، مواضع داعش را از بین می برد، رهبر این گروه یعنی ابوبکر بغدادی را کشته و صدها تن در اثر حملات هوایی امریکا، از بین می روند ولی هنوز داعش و نیروهایش در حال پیش روی اند و حکومات عراق و سوریه را در قدم اول تهدید می کنند!

نوستالژی مرگ اندیشی و فقدان عزیزان ۳

عبدالقیوم ملکزاد

" اوستاد سخنور" تاریخ وفات استاد ملک الشعرا بیتاب است که به حیث عنوان مرثیه نیز قرار گرفته و تاریخ آن برابر می شود با سال۱۳۸۸ ق (۱۳۴۷ ش) که استاد خلیلی ضمن دادن اوصاف دیگر به او، وی را " امیرعرش سخن" و" شاه ملک فخر" نیز قلمداد کرده؛ ملک الشعرا عبدالحق بیتاب علاوه بر تبحرش در شعر " استاد مسلمی بود که از روایح فضلش زمانه معنبر" گشته بود.

اینهم ابیاتی از این داغواره:

سپهر مرتبه مردی به خاک خفته اینجا
که خاک از شرفش با سپهر گشته برابر
جناب حضرت بیتاب، اوستاد مسلم
که از روایح فضلش زمانه گشته معنبر
ز فیض معنوی اش پایگاه فیض مباهی
ز فر عنصری اش تختگاه شعر، مسخر
خدایگان سخن، آفتاب چرخ حقایق
دقیقه یاب ادب، رازدان گردش اختر
امیر عرش سخن، شاه ملک فخر، جنابی
که می نمودبه چشمش جلال ملک محقر.

گرچه سخن از مرگ و مرگ اندیشی است و استاد خلیلی - چه به اساس سفارش دیگران و یا غیرآن - متعهد می شده که از دوستان و یاران خود خصوصاً هنگام وفات یاد کردی داشته باشد، معهذا این قلم بر آن است تا گفته آید: گاهی هم لازم می افتد تا خواننده عزیز، از این نیز آگاهی یابد که رابطه بین شاعر و متوفی در زمان حیات به چه منوال بوده؟

دراین شکی نیست که به قول لطیف ناظمی، قاری عبدالله و عبدالحق بیتاب دو ادبیات شناس نامبردار دوران او [استاد خلیلی] بوده اند که خود از آن دو کسب فیض کرده است. [استاد] قاری و بیتاب را به گونه دیگری می یابد: دانشمند، ادبیات شناس و واقف به تاریخ، اما شعر آنان را چنان که بایسته است نمی پذیرد. خوانشی که خلیلی از شعر قاری عبدالله دارد، چنین است:

" قاری عبدالله خان شخص بسیار عالم بود و حافظ قرآن کریم بود و خط نهایت خوش داشت و از مردم کابل بود عاجز بود و در یک مجلس نمی توانست چهارکلمه بگوید یا خطبه ایراد کند. شعر هم به سبک هندی می گفت. من شعرش خوشم نمی آمد و از این جهت همیشه به من عتاب می کرد و مرا همیشه نصیحت می کرد که شعر نگو...

خلیلی که شعر قاری را با وصف آن که ملک الشعرای کشوراست، نمی پذیرد، اما فضای بسته، چیرگی سانسور و حرمت به بزرگان ادب به او رخصت نمی دهند که خامه را بر دارد و شعر ملک الشعرا را در بوتۀ نقد اندازد. او خود مقر است که درخفا شعر قاری را نقد می کرده است و برآن می شوریده است:

گاهی من هم عصبی می شدم و مثلاً در مورد شعرهای حضرت قاری صاحب در غیابش تنقید می کردم.

اما خلیلی به بیتاب چگونه می نگرد؟ .... خلیلی از مقام ادبی استاد بیتاب نا آگاه نبود، اما شعرش را نمی پسندید:

" به سبک هند شعر می گفت، اما من همیشه به خودش گفته ام مقام تحقیقی حضرت عبدالحق بیتاب بار بار بلند تر بود از شعری که خودش می سرایید. بسیار تنگ نظری در شعر، جوش و هستی وآزادی شعر را از بین می برد.

ناظمی در سطور بعدی از قول استاد خلیلی چنین می نویسد:

" حضرت ملک الشعرا هم نثر مرا نمی پسندید وهم شعر مرا درست خوشش نمی آمد و می گفت این سبک نو است و تو می خواهی حرف های نوی بزنی. این شعر نیست و این در شعر مسایل اجتماعی را آوردن و حرفهای دیگر را گفتن. شعر باید آن باشد که سخن از عشق باشد و از زلف باشد و از کاکل و از می و معشوق و مهتاب باشد و از درد باشد و از سوز باشد."

" لطیف ناظمی، شاعر و پژوهشگر، با استفاده از: یاد داشتهای استاد خلیلی طی مکالمه با خترش ماری.

تهیه کنندگان: ماری خلیلی و افضل ناصری، مهتمم: محمد قوی کوشان."

علی ای حال، امر مسلم این است که فقدان استادان نامبرداری چون ملک الشعرا بیتاب و ملک الشعرا قاری عبدالله خان، اتفاقاتی بود که واقعاً برای استاد خلیلی سنگین تمام شد و استاد خلیلی رسالت خود می دانست که در مرگ هر دو بموید و تحسر و تاسف خود را در نبود ایشان در قالب مرثیه هایی انعکاس دهد.

اکنون ابیاتی پیشکش می شود که استاد خلیلی در رثای قاری عبدالله خان سروده بود:

عنوان مرثیه است: " قاری عبدالله ملک الشعرا" که استاد خلیلی آن را در مراسم تجلیل مرحوم قاری عبدالله ملک الشعرا بر مزار وی قرائت کرده:

" جز ناله از این غمکده آواز نیاید
زین پرده یکی نغمۀ دمساز نیاید
در سینه این خاک نهان است جهانی
دردا که نظیرش به جهان باز نیاید
افسوس که چون قاری ما باز در این ملک
دانا خلف حافظ شیراز نیاید."

"برروان الفت" مرثیه یی ست که استاد در مقدمۀ آن نگاشته: " گل پاچا الفت شاعر بزرگ در زبان پشتو که شعرا او را متفکر ارجمند و مرد صادق و امین کشور خوانده اند." (شاعر). این مرثیه در سال ۱۳۵۶ در بغداد سروده شده است.

اینک ابیاتی از این مرثیه:

" چگونه شعر توانم به سوگ تو انشاد
که حرف حرف کند پیشتر ز من فریاد
مرا مجال نبخشد سخن که گریم زار
جهان شعر به مرگ تو سوگوار شده
ز خامه در غم تو خون چکد به جای مداد
به درد مرغک در خون تپیدۀ مجروح
چه طعن ها که نمودی به لانۀ صیاد
چه شامهای خجسته، چه روز های سعید
که با تو بود مرا الفت مرید و مراد
حدیث دلکش تو در فضای آن محفل
مسیح وار به دلهای مرده جان می داد
دگر ز نرگس شهلا که وصف خواهد کرد
که باغ نرگس ما را زمانه داد به باد."
دریغا که آن ماه تابان، نشسته
بلند آفتاب خراسان، نشسته "

این بلند آفتاب خراسان، ملک الشعرا بهار است که درسال ۱۳۳۰ دیده از این خاکدان فرو بست. سخنوری که به قول استاد خلیلی: منسوب به یک مرز، یعنی ایران نبود. بل تاجی بود نشسته بر فرق کیهان!

از همین روست که در روز رحلت آن ابر مرد ادب نگاشته بود:

" نه در ماتمش مویه ایران کند سر
که افغان هم از غم در افغان نشسته"!

اینهم گزیده یی از قصیده یی که استاد در سوگ وی انشاد کرده:

" دریغا که ملک سخن بی ملک شد
که از تخت معنی سلیمان نشسته
وزید از کجا تند باد خزانی
که از پا درخت گل افشان نشسته
مهین اوستاد سخنگوی توسی
چرا این چنین زار و نالان نشسته؟
بزرگ استادی که در ماتم او
قلم تا دم حشر، گریان نشسته."

دکتر جلالی، دکتر کهدوی و میرحسینی در یکی از مقالات تحقیقی شان در باب بروزعنصر" حسرت" چنین نگاشته اند:

از دیگر انگیزه های سرایندگان اندوهیاد های معاصر، حسرت از دست رفتن شاعری است که علاوه بر مقام شاعری دارای خصال و صفات نیکی است که وی را انسانی بی همتا جلوه می دهد. چون شاعری که دوستدار مردم، نابود کنندۀ زشتی ها، دشمن جهل و ستم، شمع بزم آزادی، مهربان و وفادار، آرامش بخش دل های غمزده و...است.

" در به دری" را هم می توان مرثیه یی قلمداد کرد که استاد خلیلی آن را با در نظر داشت همین روحیه انشاد کرده است. چنانچه استاد در باب اوصاف مرحومی اینگونه تذکراتی دارد: " در رثای یار گرامی استاد دانشمند، دکتر ریاضی، سخنور صاحبدل نکته دان دقیقه یاب، محمد انس که درسال ۱۳۶۰ آفتابی، در ماتمکده کابل، در روزگاری که پرچم منحوس روس برآن سایه گسترده بود، جان به جان آفرین سپرد."

استاد در این مرثیه تنها به مرگ آن یار دیرینش نمی موید، بل در ضمن آن از اشغال وطنش به وسیلۀ روسها و از مصیبت وارده در آن روزگار به این دیار — که از ذره ذره آن بوی مرگ به مشام می آید- نیز لب به شکوه می کشاید:

" ز ذره ذره عیان بوی مرگ می گردد
چه پوزبند نهادی به سر، که بو نبری ؟
مرا به محنت پیری غمی که هست این است
که در عزای عزیزان شوم به نوحه گری
مصیبتی است که در مغز جان زند آتش
صدای مرگ عزیزان به وقت در به دری
چو آن مریض که ناخن ندارد و گردد
مزید بر تب سوزنده مبتلای دگری
مرا خجسته رفیقی به خاک رفت افسوس
که نیم قرن شده عمر ما به هم سپری
انس انیس دل و مونس کتاب و ادب
فروغ چرخ هنر چون سپیده سحری
هنروری که ندیده زمان ما چون وی
به گلزمین وطن در معارف بشری
خدا شناس جهان بین که دست طولی داشت
به حکمت عملی همچو حکمت نظری."

" بلند آفتابِ فضل" نام مرثیه یی است که استاد خلیلی آن را به مناسبت " تاریخ رحلت علامۀ مفضال، استاد بزرگوار صلاح الدین سلجوقی"، سروده است. کسی که خورشید اهلِ علم بود و خورشید بلند فضل و یا کسی که:

" بعد از وفاتِ حضرت جامی دگر ندید/ شمعی به روشنایی وی دیدۀ هرِی "!

اینک ابیات برگزیده شده از این مرثیه:

رازی که حل نگشت به قانون بو علی
از مولوی شنید به سوزنده ساز نی
نخلی چو کلک وی نکشد سر ز باغ فضل
صد دی بهار گر شود و صد بهار، دَی
خاموش خفته خواجۀ ما لیک شهرتش
افگنده شور از در اهرام تا به ری."

" قافله سالار ادب" مریثه یی است در رثای " استاد فضلا" (بدیع الزمان فروزانفر)، بزرگمردی که مرگش ماتم دلها گردید:

" درصف اهل آن مرد که یکتا باشد
لاجرم مردن وی ماتم دلها باشد
فری آن مرد که گرید قلم از فرقت وی
تا قلم باشد و دل باشد و دنیا باشد
اوستاد فضلا رفت فروزانفر و حیف
که جهان خالی از آن عارف والا باشد
بلخ تا قونیه بر مرگ کسی می نالد
که به راز دل این طایفه بینا باشد.

استاد خلیلی " بزمگاه رفتگان" را در رثای نجیب الله خان تورواایانا سروده است. آنکه "عالم" بود و " مورخ و شاعر و خطیب و سیاستمدار افغانستان"

بیتی چند از بند دوم این ترکیب بند:

" ازچه خاموشی کنون؟ آن لعل جان افزاچه شد؟
طبع گوهر بار کو؟ آن منطق گویا چه شد ؟
راز ها بشکافتی، اما به پیش راز مرگ
آن ضمیر راز جو، آن دیدۀ بینا چه شد؟
در دل تابوت پنهانی، نمی دانم چرا ؟
پرده نکشایی که بینم آن سر و سیما چه شد؟
آن لب جانبخش، بی شهد تبسم کس ندید
چین بر ابرو بسته ای، آن شیوۀ شیوا چه شد؟
در صف آزادگان سرو تو واژون شد چرا ؟
نقش آمال عزیزانت دگر گون شد چرا ؟

این چند بیت هم از بند واپسین:

آه ! ای سنگ سیه! شوخی به آن چشمان مکن
خاک، آن راز آشنای کعبۀ جانان مکن
ای لحد! بر قلب بیمارش فشار غم میار
بیشتر آن آشیان شوق را ویران مکن
نسبتی دارند با هم داغداران از قدیم
این حدیث عشق را بازیچۀ نسیان مکن.

در باب مرثیۀ سرور گویا اعتمادی در سطور بالا مطالبی ارائه گردید. و اینک مرثیه یی به اسلوب مثنوی، در رثای دوست شاعر: (سید عبدالله خان که از جوانان دانشمند کشور بود و در رود آمو غرق شد.):

" مگر تقدیر ما با غم نوشتند
به خاک ما گل ماتم سرشتند
زمین خون، کوه خون،صحرا پر از خون
چمن خون، دشت خون، دریا پر از خون
هنوز از غزنه جوی خون روان است
هنوز آن شعله ها بر آسمان است
هنوز آید به گوشم شیون بلخ
ز مقتولان کوی و برزن بلخ
به خون اندر جوانی را در افگند
جوانی نی، جهانی را در افگند
مهین فرزند خدمتگار ملت
جوان صالح و غمخوار ملت
دریغا می برد امواج ایام
عزیزان را ز ما آرام آرام..."

در رثای صادق سرمد:

" گریه بر یاد یار باید کرد
کار ابر بهار باید کرد
دل زارم به یاد سرمد سوخت
نالۀ زار زار باید کرد."

ادامه دارد

روژه

د نفس پاکولو میاشت، څه غوښتنې لري؟

یو انسان لاندینی دری ډوله آغیزې رامینځته شي:

شفیق

روژه د اسلام د پنځو بناؤ څخه هغه رکن دی چې د الله جل جلا له د بندګۍ له ډولونو څخه د لمانځه په څېر د بدني عبادت له ټولو غوره ډول دی. او له دې امله چې یواځې الله جل جلا له ته ددغه عبادت شتون معلومېږي: چې آیا انسان روژه ساتلې ده او که نه؟ نو د یو حدیث له مخې الله جل جلا له په خپله روژه لرونکي ته اجر او ثواب ورکوي.

روژه د یو فرضي عمل په توګه بېلا بېلې آغیزې لري. چې هغه د روژې له نفسي. خُلقي او ټولنیزو آغیزو څخه عبارت دي. نو له همدې امله باید مسلمان د روژې دغه مبارکه فریضه په صحیح معنا ترسره کړي او یوازې د خولې بندولو او ځان وږي یا تږي ساتلو پورې یې منحصره نکړي: ځکه پرته لدې چې روژه خپل آغیز په انسان پرېږدي. الله جل جلا له ته (د یو حدیث له مخې) د یو بنده یوازې خوله له خوراک او څښاک څخه بند ساتل مطلوب ندي.

باید مسلمان کوښښ وکړي چې روژه د نفس پاکولو د یو تربیتي کورس په توګه وساتي. تر څو د روژې په یوه میاشت کې له یوې خوا د الله جل جلا له د رحمت څښتن او له بلې خوا د هغه جل جلا له څخه د مغفرت لاسته راوړنې او هم یې له عذاب څخه د خلاصون څخه برخمن شي: لکه چې د یو مبارک حدیث له مخې د روژې لومړنۍ لسیزه د رحمت لسیزه ده او دوهمه یې د مغفرت او بخښنې او دریمه یې د الهي عذاب (جهنم) څخه د خلاصون لسیزه ده او دا حقیقتونه هغه مهال انسان لاسته راوړلی شي چې د روژې په نیولو سره په

الف: د روژې نفسي آغیزه:

د لمانځه او زکات په څېر، روژه هم د اسلام د پنځو ارکانو څخه د یو مهم رکن په توګه د انسان په نفس ژور آغیز پرېږدي او دا ځکه چې روژه نیونکي انسان ته د الله جل جلا له د هغه حکم په آوریدلو سره، چې ورته فرمایي: (ای مؤمنانو! پر تاسې باندې د تېرو امتونو په څېر روژه ددې لپاره فرض ګرځولی شوې ده، چې له الله جل جلا له ویره لرونکي وګرځئ) دا خبره په ډاګه کوي چې الله تعالی پدغه امت باندې هم روژه فرض کړې. څو یې نفسونه د هر نیک عمل لپاره پاک او تزکیه شي: ځکه کله چې یو روژه لرونکی انسان خپلې نفسي غوښتنې او ورته له هر څه څخه نږدې مرغوب شیان او کارونه. سره ددې چې د هغې په کولو باندې قادر هم وي. یوازې د الله تعالی د اوامرو د امتثال او په ځای راوړلو او د هغه د رضاء حاصلولو په منظور پرېږدي، نو په طبیعي ډول دغه نیت او اراده په انساني نفس کې له الله جل جلا له څخه ویره پیدا کوي او هم د روژې په نیولو سره له انسان سره د نفس د څارنې او مراقبې عقیده ټینګوي او انساني ضمیر راوېښوي. همدرانګه روژه د انسان د ژوند له کړاوونو سره مخامخ کېدونکی او مقاومت کوونکی ګرځوي: په شجاعت او میړانه سره د مقابلې ځواک او قوت وربخښي او په کومه اندازه چې د انسان اراده پیاوړې کېږي. په هماغه کچه په انسان باندې د عادت بر لاسي او غلبه ختمېږي.

ب: د روژې خُلقي آغیزه:

لکه چې مخکې مو وویلې: روژه یوازې د روژه ماتوونکو شیانو څخه د ځان بند ساتلو نوم ندی: بلکې روژه په حقیقت کې د ټولو ګناهونو او بدو عملونو پرېښودلو ته وایي. نو باید چې روژه لرونکی انسان خپلې ټولې کړنې او ویناوې د نېکیو او ښېګڼو په دایره کې رابندې کړي: که روژه انسان ته ددې اجازه نه ورکوي چې بد الفاظ استعمال کړي او په خوله د انسان آزارولو عمل انجام کړي. همدارنګه باید خپلې کړنې هم د یو روژه لرونکي په توګه مسلمان ته د زیان رسولو نمونه ونګرځوي. مثلاً: زمونږ ډېر هیوادوال چې سوداګري او خرڅلاو کوي، په روژه کې باید د غذایي توکو او نورو لومړنیو اړتیاوو نرخونه لوړ نکړي او نه له اړتیا څخه ډېرو غذایي شیانو په کارولو سره ددې زمینه برابره کړي: بلکې کوښښ وکړي چې د نرخونو په ټیټولو او د اسراف په مخنیوی سره په مسلمانانو باندې سختۍ او اقتصادي تنګسیا رانه ولي.

ج: د روژې ټولنیزه آغیزه:

روژه د یوې خوا په بډایانو او شتمنو خلکو کې د ترحم او عطوفت جذبه پیدا کوي او په دوی کې د بې وزلو او نادارو خلکو سره د همدردۍ حس او شعور ژوندی کوي، چې پدې کار سره د فقیرانو او شتمنو وګړو ترمینځ کینه او حسد کمیږي او ترمینځه یې د زړونو الفت او تقرب رامینځته کېږي او د دواړو طبقو ترمینځه د ډاډ او اطمینان په رامینځته کېدو سره خپلمنځي باور او ورورګلوي پیاوړې کېږي: ځکه په روژه کې د سخا او کرم ماده پیاوړې کېږي او شتمن خلک د نادارو سره په عملي توګه مرسته کوي، چې دا پخپله د مساوات او برابرۍ په لورې یو عملي قدم دی.

نو الله جل جلا له دې وکړي چې د مسلمانو ولسونو وګړي په عامه توګه او زمونږ هیوادوال په ځانګړې توګه د روژې حقیقت درک کړي او ځانونه د الله جل جلا له د رحمت. بخښنې او د عذاب څخه یې د خلاصون وړ وګرځوي.

رمضان، پیام آور...

(این ماه، ماه صبر و شکیباییست و پاداش صبر بهشت است.)

ماه رمضان ماه نزول قران کریم است و قرآنکریم این کتابی که یگانه دفتر رهنمای انقلاب عظیم جهانی و نسخهٔ معجز دگرگونی های دوران ساز در سرا پردهٔ هستی است. ماه رمضان سرآغاز بزرگترین فتح و پیروزی انقلاب اسلامی بر معاندین لجوج اسلام در جزیزه العرب است، بلی! در ماه رمضان بود که فتح مکه صورت گرفت و سرداران شرک در میان قریش در برابر عظمت و جلال اسلام به زانو درآمده و اعلان تسلیم و ندامت نمودند.

در این ماه بود که اولین برخورد در میان جبههٔ ایمان و لشکریان شرک و الحاد بوقوع پیوست. غزوهٔ بدر که بزرگترین شکستی بر سنگر الحاد وارد آورد در هفدهم ماه مبارک رمضان صورت گرفت. آری! در همین ماه بود که پیام فتح و آیات پیروز انقلاب اسلامی اعلان شد.

در ماه رمضان مسلمانان یک دورهٔ تربیت عملی فقر اجباری را فرا می گیرند، آشنایی به حیات فقیران دردمند و تربیت در اعماق رنج ها و مشکلات در تکامل شخصیت هر مسلمان اثر انقلابی ایجاد می نماید و چنین کاری مسلمان را در تحمل شرایط نامساعد و حالات غیر عادی توان و قوت می بخشد. بلی! باید مسلمان به تحمل شرایط و اوضاع مختلف و متباین آماده باشد چه طبیعتاً هر مسلمان در معرض تحولات مختلف قرار دارد. و مسلمان انقلابی آمادهٔ رویارویی با هر مشکل است، همانست که او در فتح مغرور نمی گردد و در شکست مأیوس نمی شود، غناء و ثروت از جادهٔ ثواب دورش نمی سازد، و فقر و ناداری عنان را از کفش نمی رباید.

چه خوش فرموده است فاروق اعظم: (اخشو شنوا فان النعمه لاتدوم) به سختی و خشونت خو گیرید چه نعمت "دوامدار نیست."

در ماه رمضان احساس راکد و عواطف جامد مسلمانان بیدار و به حرکت در می آید، دولت مندان رنج و آلام محرومان دردمند را احساس می کنند، عملاً در می یابند آنها که فاقد آب و نان اند، با خانوادهٔ محروم خویش در محرومیت بسر می برند تا چه حد احساس رنج و عذاب می نمایند لذا متوجه می شوند: آنها که از محنت دیگران بی غم اند، نشاید که نام خود را آدمی و مسلمان انقلابی نهند.

خلاصه اینکه: ماه رمضان در حقیقت پیام آور انقلاب و تربیت گاه انقلابیون پیکارگر است که برای دگرگون ساختن جهان، انقلاب را از خود آغاز نموده غرایز سرکش را مهار و تابع نظم و قانون می سازند، با ذهن روشن، زبان مهذب و ضمیر بیدار در تحولات اجتماعی سهم می گیرند.

کنفرانس بین المللی صلح در اسلو
و صلح در افغانستان

ابوبکر سبزوار

روز سه شنبه ۱۶ جون کنفرانس صلح با شرکت وزرای خارجه و شخصیت های مهم ۱۵۰ کشور جهان در اسلو پایتخت ناروی گشایش یافت. این کنفرانس همه ساله به منظور بررسی راه های رسیدن به صلح در کشور های درگیر بحران و جنگ در ناروی برگزار می گردد و در نشست امسال روی مشکلات و چالش های فراروی صلح در کشور های افغانستان، یمن و سومالیا بحث و تبادل نظر صورت گرفت.

نکتهٔ مهم در رابطه به افغانستان در این کنفرانس این بود که برای نخستین بار از یک هیئت طالبان به منظور شرکت در یک نشست بین المللی دعوت شده بود. از زمان بمیان آمدن تحریک طالبان در سال ۱۹۹۵ این نخستین بار بود که از یک هیئت از طالبان برای شرکت در یک کنفرانس بین المللی بصورت رسمی دعوت بعمل می آید. طالبان حتی زمانیکه نود درصد از خاک افغانستان را نیز تحت کنترول خود داشتند، برای شرکت در هیچ کنفرانس بین المللی دعوت نامه دریافت نکرده بودند.

در اعلامیه ای که از طرف طالبان در این مورد به نشر رسیده آمده است که، یک هیئت سه نفری از دفتر سیاسی آنان بریاست طیب آغا در این کنفرانس شرکت نموده و سخنرانی خواهد کرد. این نخستین بار است که طیب آغا در مقام رئیس دفتر طالبان در قطر، در یک کنفرانس بصورت رسمی شرکت می نماید.

در ترکیب هیئت دولت افغانستان که به ریاست محمد محقق معاون دوم رئیس اجرائیه به این نشست رفته است حکمت کرزی معاون وزیر خارجه، محمد یونس قانونی معاون اول ریاست جمهوری در زمان کرزی، انوارالحق احدی سابق وزیر تجارت، حسن بانو غضنفر وزیر پیشین امور زنان و فرهاد الله فرهاد یکی از اعضای شورای عالی صلح شامل اند.

هم طالبان و هم دولت افغانستان به این نکته تاکید دارند که این نشست به منطور مذاکرات صلح نیست و هیچ برنامه ای برای مذاکرات رویاروی میان نمایندگان دوطرف وجود ندارد. بعضی از مقامات دولت افغانستان به رسانه ها گفته اند که، این نشست می تواند برای نشست های رویاروی در مورد صلح میان دوطرف در آینده بستر سازی نماید و طالبان نیز گفته اند که هدف شان از شرکت در این نشست، بیان نظریات خود شان در مورد حل مشکلات افغانستان است.

میزبان این نشست "بورگ بریند" وزیر خارجهٔ ناروی در این مورد به رسانه ها گفته است که در این نشست برنامه ای برای گفتگوی رسمی صلح در افغانستان وجود ندارد اما راه رسیدن به صلح، مذاکره میان طرف هایی است که با هم درگیر جنگ اند.

نگرانی از گسترش داعش را می توان یکی از عوامل اساسی برای دعوت از طالبان در چنین نشست دانست. اما این نکته هم قابل دقت است که دولت ناروی از چندین سال بدینسو خاموشانه در برنامهٔ صلح در افغانستان دخیل است. شهر اسلو برای طیب آغا و هیئت همراه وی جای زیاد ناآشنائی نیست و آنها بارها به دعوت مقامات ناروی و بخصوص کای آیده نمایندهٔ پیشین سازمان ملل متحد در افغانستان به این شهر سفر کرده اند. همین چند هفته قبل هیئتی از طالبان در اسلو با نمایندگان جامعهٔ مدنی افغانستان دیدار داشت.

اما در کنار تلاش های کشور های اروپایی بخصوص کشور ناروی در افغانستان، امریکا در این رابطه سکوتی معنی دار اختیار کرده است. سازمان ملل متحد که نام اعضای شرکت کننده از جانب طالبان در این نشست را در لیست سیاه خود دارد نیز در این مورد خاموش است. آنچه که مشخص است اینست که نگرانی از ظهور گروه دولت اسلامی از آسیا تا اروپا و از اروپا تا امریکا یکسان نیست.

از آنجا که در گذشته نیز نشست های غیر رسمی میان نمایندگان طالبان و دولت افغانستان صورت گرفته و فقط به تشریح مواضع دوطرف محدود بوده است، نمی توان از این کنفرانس هم انتظار زیادی داشت اما دعوت از طالبان در یک نشست بین المللی می تواند نشان از تغییر نظر جامعهٔ جهانی در رابطه با آنان باشد.

مسمومیت دانش آموزان دختر در برخی ولایات

● **تکساری**

طی هفته های اخیر ده ها دانش آموز در ولایت های بدخشان، بامیان، هرات و سمنگان مسموم گردیده اند. ظرف سال های اخیر یک سلسله اعمال غیر انسانی؛ مانند: تیزاب پاشی به روی و صورت دختران، مسمومیت و مسدود نمودن مکاتب دختران در ولایات مختلف کشور صورت گرفته است. هزار ها دانش آموز دختر طی سال های اخیر از سوی مخالفان نظام آموزش و پرورش در ولایات مختلف کشور مسموم گردیده اند. امسال نیز یک چنین اعمال خلاف شأن انسانیت در مورد آموزش دختران از سوی مخالفان دولت صورت گرفته است که خیلی ها تکان دهنده می باشد.

وزارت معارف و در مجموع مقامات امنیتی و وزارت صحت از چند و چون یک چنین مسمومیت ها گزارش دقیق و علمی ارائه نه نموده است. حدود دو هفته قبل فردی به نام ابراهیم شوخک که در بامیان توسط پولیس دستگیر شده بود، مدعی گردید، که به دستور طالبان در ولسوالی پنجاب این ولایت به چنین کاری دست زده است و از این طریق طالبان می خواهند تا دروازه های مکاتب را به روی دختران ببندند. حربهٔ نخست مخالفان، جلوگیری از تداوم آموزش و پرورش دانش آموزان دختر، ارعاب و وحشت در میان دانش آموزان دختر می باشد تا آنها را از رفتن به مکتب باز دارند، در شرایطی که میلیون ها پسر و دختر نسبت نبود شرایط صلح آمیز نمی توانند به مکتب بروند یک چنین اعمال غیر انسانی بر تراژیدی آموزش و پرورش در کشور افزوده است.

امروز در افغانستان اطفال به شیوه های مختلف شکار هوس های مخالفان می گردند. مخالفان مسلح دولت از کودکان خردسال برای انجام حملات انتحاری استفاده می کنند، تعدادی از اطفال به بهانه های آموزش های دینی به کشور همسایه و مناطق معیین به وسیلهٔ مخالفان دولت برده می شوند و در آنجا مجبور به حملات انتحاری می گردند. بی مورد نیست که چندی قبل امنیت ملی از تمام خانواده ها خواسته بود، تا مواظب کودکان خود باشند تا مورد شکار دهشت افگنان قرار نگیرند.

مسمومیت دختران دانش آموز می رساند که دختران و زنان در افغانستان امنیت ندارند و امنیت دختران و زنان باید به طور خاص مورد مطالعه قرار گیرد. باید حقوق و آزادی های مدنی دختران و زنان از سوی حکومت جدی گرفته شود. آموزش و پرورش دختران یک اصل اسلامی است و هیچ کس نمی تواند به بهانه های مختلف این حق را از آنها بگیرد. سم پاشی به روی و صورت دختران، ملوث ساختن آب، غذا و محیط انسانی در حقیقت جنگ با بشریت و حق و عدالت است. دین اسلام حامی و پشتیبان آموزش است و نخستین سورهٔ قرآن کریم امر به خواندن است.

مسمومیت دختران از سوی مخالفان در حقیقت یکنوع حرکت و بازگشت به سوی جهل و وحشت است که در اسلام جای ندارد و این عمل یکنوع جنگ در برابر دستورات الهی است. آموزش و پرورش و آموختن علوم بر هر مسلمان پسر و دختر واجب است و حدیث پیغمبر ما است که علم گم شدهٔ مسلمان است و هر مسلمان باید آنرا به دست آورد.

امروز نصف جامعهٔ ما را زنان و دختران تشکیل می دهند، نمی شود نیمی از پیکر جامعهٔ را از حقوق طبیعی شان محروم ساخت. زنان حق دارند تا آموزش های اساسی را فرا گیرند و در بازسازی و تقویهٔ سالم جامعه گام بردارند، با جهل و نادانی نمی شود با مظالم اجتماعی مبارزه کرد و جامعه را از سقوط نجات داد. زنان حق دارند در کار های سازنده و سرنوشت ساز جامعه سهم بگیرند. اشتراک زنان در پیشبرد کار های سازنده مستلزم ظرفیت سازی آنها است. زمینهٔ آموزش و پرورش زنان و دختران در حقیقت گامی است در جهت یک اجتماع سالم و خانوادهٔ خوشبخت. محروم ساختن زنان و دختران از فرا گیری علوم، یک عقبگرد قرون وسطایی است که جامعهٔ ما و سایر جوامع نمی تواند در برابر آن سکوت اختیار نماید. هرچند فشار بالای زنان و دختران بیشتر گردد، به همان تناسب زنان و دختران در برابر دشواری ها و سنگ اندازی ها از خود مقاومت بیشتر نشان خواهند داد. این گونه اعمال غیر انسانی جلو رشد آنها را گرفته نمی تواند و آنها از اهداف بلند انسانی خود هیچ گاه عقب نخواهند نشست.

په هیواد کې د داعش چتېک...

لکه چې پخپله د افغان دولت ځینو مسوولینو لومړی په افغانستان کې دننه د داعش د خپریدو ګوابن لدې امله منتفی کولو چې ګویا د داعش او افغانانو تر مینځه د عقیدې او لید لورې ستر اختلاف دی: ځکه داعش د سلفي عقیدې لرونکی دی او افغانان د دغو عقایدو سره توافق نلري. مګر دا مهال چې د ننګرهار په ګڼو ولسوالیو، لکه: بټي کوټ، کوټ، هسکې مینې، رودات، غني خیلو، سپین غر، شیرزاد، خوګیانیو او چپرهار ولسوالیو کې دغه ډله نږدې د دغو ولسوالیو تسلط په لاس کې اخستی دی او ورته وضع د کنړ په ولایت کې هم روانه ده، بیا هم افغان دولت له دغه ګوابن څخه ویره نلري!!

ډېره عجیبه ده؛ چې افغان دولت څنګه د خیر په غوندې ناست دی او په اړه یې هیڅ اقدام نکوي او یوازې پدې بسیا کوي چې د طالبانو سره په جګړه کې بوخته اوسي؛ پداسې حال کې چې د طالبانو د مرکزي هستي کړې او مهمې څېرې د سولې د هڅو څخه ملاتړ کوي او پدې اړه تر یو څه بریده قدمونه هم اوچت شوي دي. دا وضع پداسې حال کې روانه ده چې پدې وروستیو کې یو ځل بیا دوه زرو ځانګړو امریکایي پوځونو د افغان دولت سره ګډ عملیات بیا پیل کړي، پداسې حال کې چې د امنیتي تړون له مخې د امریکا پوځي ماموریت ختم شوی دی او یوازې د مشورتي، تجهیزاتي او روزنیز مارموریت حق لري. نو هغه څه چې افغان ولس ورڅخه ویره لري، هغه داده چې افغان دولت ولې پدې اړه بې تفاوته دی او یا دا چې په کوم ډاډ د داعش ډلې له پرمختګ څخه ویره نلري او هم یوځل بیا د امنیتي تړون د مفاداتو پر خلاف له امریکا سره په هغه پوځي ماموریت کې ونډه اخلي، چې هره پېښه یې د افغان وژنې انګیزې برابروي او لوې لاس نوره هم دا جګړه پراخوي.

او نه یوازې دا چې د هیواد په جنوب او ختیځ کې جګړه پراخیږي؛ بلکې د هیواد شمال او لویدیځ هم د نوو جګړو شاهد ګرځي: چې همدا اوس په هرات کې هم نا امني ورځ تر بلې ډیریږي. او د دې ویره هم شته چې ښایې همدغه داعش نه یواځې دا چې د یوې مجهولې پروژې په توګه د افغانستان لپاره په لویدیځ او شمال کې هم دښمنان پیدا کړي بلکې د هیواد دننه هره سیمه کې به دا جګړه همداسې پراخه شي او د افغان وژنې دغه پروسه به نوره هم پیاوړې شي. که چېرې افغان دولت د ننګرهار ولایت او یا کنړ، بدخشان او ..... ولایتونو کې د دغو نا امنیو په اړه. همداسې بې تفاوته اوسي نو آیا د دغو ولایتونو ولسونه افغانان ندي چې د نورو په جګړو کې سوځیږي او د یو دولت مسوولیت آخر څه دی. چې د خپل رعیت په اړه داسې لاس تر زنې ناست وي او د پردیو د پروژو په تطبیقولو کې په خپل سکوت سره، د یو مجهول مستقبل په لورې هسې ځان خوښ ګرځوي او له بلې خوا د بې معنا امنیتي تړون او فاسدې واکمنۍ په لرلو سره ورځ تر بلې خپل ولس د مخالفت او جګړې په پوله ودروي او ددې پر ځای چې د ولس د پراخو پرګنو باور پرځان پیدا کړي.

ادامهٔ کار مجلس نماینده گان...

رئیس جمهور در این دیدار ها از کمیسیون انتخابات و دفتر نماینده گی سازمان ملل متحد در کابل خواسته است تا پیشنهاد های مشخص خویش را برای برگزاری انتخابات و با در نظرداشت تجارب تلخ گذشته به ریاست جمهوری بسپارند. احالهٔ ادامهٔ کار مجلس نماینده گان به ستره محکمه خشم اعضای مجلس را به دنبال داشته و این مجلس در یک نشستی گفته است، که به هیچ نهادی اجازه نمی دهد تا مشروعیت این مجلس پس از اول سرطان سال جاری را به بررسی بگیرد. از نظر اعضای این مجلس ادامهٔ کار مجلس نماینده گان تا اعلان نتایج انتخابات پارلمانی قانونی بوده و هیچ نهادی نمی تواند صلاحیت های قانونی این مجلس را زیر پوشش قرار دهد. اعضای مجلس بر این باور اند که آنها مشروعیت خود را از مردم گرفته و هیچ نهاد دیگر نمی تواند با آنها مشروعیت بخشد و تا نتایج انتخابات آنها به کار شان ادامه خواهد داد. در مادهٔ ۸۳ قانون اساسی آمده است که، انتخابات برای تعیین نماینده گان جدید ۳۰ تا ۶۰ روز پیش از پایان دورهٔ کاری نماینده گان مجلس برگزار گردد. قرار است امروز مجلس نماینده گان در نشست عمومی خویش، روی این موضوع صحبت نمود، تصمیمی اتخاذ نماید.

منطق کمیسیون انتخابات این است، که در دولت ارادهٔ سیاسی و پول مورد نظر برای انتخابات وجود نداشته است. در توافقنامهٔ حکومت وحدت ملی برگزاری انتخابات مشروط بر اصلاحات در ساختار و قوانین مربوط به انتخابات توسط کمیسیون اصلاحات انتخابی می باشد. تمام نهاد های اجتماعی بر گزار نکردن انتخابات را به دوش حکومت می اندازند و باور ها چنین است که در نبود مجلس، حکومت به یک نهاد مستبد تبدیل خواهد شد و اکنون بیش از ۳۰ سند تقنینی برای تصویب و تائید در شورای ملی قرار دارد و از اولویت های این حکومت گرفتن رای اعتماد برای وزیر دفاع، اداره های بانک مرکزی، سره میاشت، لوی سارنوالی، رئیسان و شماری از اعضای دادگاه عالی و کمیسیون نظارت بر قانون اساسی است، که در نبود مجلس این نهاد ها دولتی به صورت سرپرست اداره خواهد گردید.

نشست های اخیر و مشوره های رئیس جمهور با حلقات معین سیاسی و اجتماعی و مقام های امنیتی نشان می دهد که زمان کار مجلس نماینده گان تا برگزاری انتخابات در سال آینده ادامه خواهد یافت. در شرایطی که تعداد از ولایات مورد تهدید بلند امنیتی قرار دارند و یکنوع عدم اعتماد میان جامعهٔ جهانی و حکومت وحدت ملی در خصوص تاخیر در اصلاح کمیسیون انتخاباتی به وجود آمده است، غیر محتمل به نظر می رسد، که انتخابات ظرف ماه های نزدیک برگزار گردد. این انتخابات به احتمال قوی تا یک سال دیگر برگزار نخواهد گردید و مجلس به کار خود ادامه خواهد داد. اکنون تمام نگاه ها به این استوار است، که بر اساس یک مصلحت جمعی مجلس نماینده گان تمدید شود. تمدید کار مجلس برای کشور هرچند یک مصلحت است؛ بلکه زیان های فراوان در پی خواهد داشت و این تمدید ها به یک سنت نا میمون در کشور تبدیل خواهد شد؛ طوریکه در گذشته ها چنین اتفاق افتاده است.

مروری بر برخی رویدادهای امنیتی در کشور

۲۳جوزا:

* به قول رسانه ها، رئیس صحت عامه ولایت بدخشان گفته است، از آغاز هفته گذشته تا اکنون پنج معلم و ۳۷ دانش آموز در اثر یک مواد سمی مسموم شده اند که بیشتر آنها دختر اند.
سخنگوی والی هلمند به رسانه ها گفته است، در حملهٔ شب گذشته بر پوسته های امنیتی پولیس در ساحهٔ تخته پل ولسوالی موسی قلعه که از سوی طالبان صورت گرفت در نتیجه ۱۷ پولیس شهید و سه پولیس دیگر زخمی شده است. در این حمله تلفاتی بر طالبان نیز وارد آمده است.

* در نتیجهٔ انفجار بمب در خانهٔ یک قوماندان طالب در ولایت میدان وردک پنج طالب مسلح به شمول دو طالب پاکستانی این گروه دیروز کشته شدند. گفته شده، این انفجار هنگامی رخ داد که قاری محمد در خانه اش در ولسوالی چک با تعدادی از افرادش مشغول ساخت یک موتر بمب بودند.

* در انفجاری که در ولسوالی مارجهٔ هلمند رخ داد ۱۳ غیرنظامی زخم برداشتند. به گزارش رسانه ها، این رویداد هنگامی رخ داد که موتر حامل غیرنظامیان با ماین کارگذاری شده درکنار جاده برخورد کرد.

* پنجاه تن از دانش آموزان یک مکتب دخترانه در ولایت هرات، مسموم شده اند. مسوولان امنیتی به رسانه ها گفته اند که، این رویداد حوالی ساعت نه صبح امروز، در مکتب استقلال واقع در منطقهٔ باغ دشت هرات روی داده است. سخنگوی پولیس ولایت هرات گفته است که، این رویداد پس از آن صورت گرفت که گازهای کپسولی در این مکتب، باعث حساسیت تنفسی ده ها تن از دانش آموزان دختر شد.

۲۴جوزا:

* در خبرنامهٔ ادارهٔ مستقل ارگان های محلی آمده است، حمید الله حق جو، ولسوال ولسوالی اشکمش ولایت تخار امروز صبح، در یک انفجار ماین کنار جاده که از سوی دشمنان مردم افغانستان در مسیر راه جاسازی شده بود به شهادت رسیده است. در خبرنامه آمده است، قرار بود که ولسوال شهید از پوسته های پولیس ولسوالی مربوطه بازدید نموده و از فداکاری و شهامت آنها در نبرد شب گذشته علیه دشمنان افغانستان تقدیر نماید.

* در اعلامیهٔ مطبوعاتی ریاست عمومی امنیت ملی آمده است، در جریان یک عملیات مشترک با هماهنگی و بر بنیاد اطلاعات ریاست عمومی امنیت ملی هر یک؛ عمر زدران والی نامنهاد طالبان در ولایت کنر، مولوی اصغر قوماندان سرشناس و رهبر جنگ دانگام، مولوی شهاب الدین قوماندان طالبان در ولایت کنر با ۱۲تن جنگجوی طالب در اثر یک حملهٔ هوایی در ولسوالی دانگام ولایت کنر از بین رفته اند.

۲۶جوزا:

* جنرال بابه جان، فرماندهٔ پولیس بدخشان به رسانه ها گفته است در حملهٔ هوایی که از سوی نیروهای امنیتی کشور در منطقهٔ درهٔ خُستک ولسوالی جرم ولایت بدخشان انجام شده است، مولوی امان الدین والی نام نهاد طالبان در بدخشان با سیزده تن دیگر از همراهان اش کشته شده است. به گفتهٔ وی، در میان کشته شدگان، هشت تبعهٔ بیرونی نیز شامل اند. این حمله زمانی صورت گرفته است که در یک منزل، مصروف طرح ریزی حملات تروریستی بودند.

* عطاء الله فایق مدیر معارف ولسوالی یمگان ولایت بدخشان به آژانس باختر گفته است، چهار لیسهٔ دخترانه و پسرانه در مرکز ولسوالی یمگان در اثر حملات طالبان مسلح داخلی و خارجی مسدود گردیده که می توان گفت، بیشتر از پنج هزار دانش آموز دختر و پسر از درس و تعلیم بازمانده اند.

۲۷جوزا:

* در خبرنامهٔ وزارت امور داخله آمده است، در عملیات های که به هدف سرکوب و نابودی دشمنان مردم افغانستان که در مربوطات ولایت های ننگرهار، کاپیسا، کندز، بدخشان، سرپل، کندهار، زابل، ارزگان، خوست، پکتیا و هلمند راه اندازی گردیده بود، ۶۲ تن از دشمنان مردم افغانستان کشته، ۲۰ تن زخمی و ۹ تن دیگر شان از سوی نیروهای امنیتی کشور بازداشت شدند.

هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم –سال چهاردهم – شمارهٔ سیزدهم ۳۰ جوزای ۱۳۹۴ ۳ رمضان المبارک ۱۴۳۶ 2015 June 20

ادامهٔ کار مجلس نماینده گان پس از اول سرطان



□ **عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل**

ریاست جمهوری برای ادامهٔ کار مجلس نماینده گان پس از اول سرطان ۱۳۹۴، یک سلسله مشوره های را با رهبران جهادی، چهره های سیاسی، والی ها، ولسوال ها، اعضای جامعهٔ مدنی و یونما از یک هفته بدینسو آغاز نموده است. از سویی هم موضوع ادامهٔ کار مجلس به دادگاه عالی ارجاع گردید. قرار است طی روز های نزدیک تعیین زمان برگزاری انتخابات مجلس نماینده گان و کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی از سوی ریاست جمهوری به آگاهی مردم رسانیده شود.

رئیس جمهور در این دیدار ها گفته است، که حکومت در صدد جستجوی مبانی مالی برای تمویل انتخابات می باشد، تا انتخابات مجلس نماینده گان به صورت شفاف برگزار و نتیجهٔ آن برای مردم قابل قبول گردد. در خبر گزاری ریاست جمهوری آمده است، که حکومت در صدد جستجوی مبانی مالی برای انتخابات است و از راه های ممکنه می خواهد تا این هزینه بدست آید. هزینهٔ انتخابات مجلس در حدود ۸۰ میلیون دالر را دربر خواهد گرفت، که در اوضاع کنونی امکان پرداخت آن از سوی دولت، مقدور نیست و بدون کمک جامعهٔ جهانی دولت نمی تواند این هزینهٔ سنگین را از بودجهٔ دولت بپردازد. تمام هزینه های انتخاباتی ظرف ۱۴ سال گذشته از سوی جامعهٔ جهانی تمویل گردیده و اکنون جامعهٔ جهانی حاضر نیست در موجودیت این کمیسیون این پول را به کمیسیون انتخابات بپردازد. جامعهٔ جهانی شرط پرداخت این هزینه را تغییر و اصلاح نظام انتخاباتی در افغانستان می داند. فشار های داخلی و خارجی موجب گردیده است، تا رئیس جمهور اصلاح کمیسیون انتخابات را روی دست بگیرد.

در یک خبر نامهٔ دیگر ریاست جمهوری نیز آمده است که، زمان انتخابات ولسی جرگه و هرگونه تصمیم به اساس مصالح علیای کشور و در روشنایی اجماع ملی صورت خواهد گرفت. یک نوع اختلاف در مورد ماده ۸۳ قانون اساسی به وجود آمده و اکثریت حقوق دانان کشور به این باور اند، که پس از اول سرطان ادامهٔ کار مجلس نماینده گان مشروعیت خود را از دست می دهد و هیچ گونه تغییر در این مورد قانونی نیست؛ اما تعدادی دیگری قید انتخابات را در این ماده شرط می دانند و ادامهٔ کار مجلس تا زمان انتخابات را مشرو ع می دانند.

روی این معضل، رئیس جمهور کشور این تفسیر را مربوط به ستره محکمه می داند و ادامهٔ کار مجلس را به ستره محکمه احاله نموده است. لحن مجلس سنا نسبت به همه نهاد های دیگر تندتر بوده و ادامهٔ کار مجلس نماینده گان را پس از اول سرطان غیر قانونی می داند و این موضع گیری سنا مبتنی بر قانون اساسی استوار می باشد.

ص۷

په هیواد کې د داعش چتېک پرمختګ څه معنا لري؟

□ **رفیق بحر**

پداسې حال کې چې نږدې له دوه وو میاشتو راهیسې کله د افغانستان دننه دا ګنګوسې خپرې شوې چې د داعش جنګیالي په افغانستان کې لیدل کیږي. نو د افغان دولت ځینو مسؤولینو د داعش له شتون څخه انکار کولو او د ځینو حلقو لخوا په منظمه توګه دا خپریدله چې افغانستان د داعش له خپریدو څخه کومه وېره لدې امله نه ویني چې د افغانستان خلک د داعش په څېر عقاید نشي منلی او د افغانستان خاوره د عراق او سوریې په څېر د داعش د خپریدو لپاره مناسبه نه ده. او له بلې خوا د ځینو رسنیو لخوا پدې اړه معلومات خپریدل: چې د داعش جنګیالیو هر یو تن ته پنځه یا شپږ سوه ډالر میاشتنۍ تنخوا ورکول کیږی: د دغه نوي خوځښت خپریدلو لړ کې یو ډول کمپاین ګټل کیږي. چې په لوې لاس د نامعلومو کړیو لخوا د افغان وژنې یو بل پړاو را مینځته کولو هڅه ده.

او په ځانګړې توګه دا ګمان هغه وخت نور هم پیاوړی شو چې لومړی د هیواد په شمال کې د بدخشان په ګډون په ځینو نورو ولایتونو کې د سپینو بېرغونو تر څنګه تور بېرغونه هم ولیدل شو او بیا یې په اړه ضد او نقیض خبرونه او انګیرنې د حکومتي چارواکو لخوا خپرې شوې: چې ځینو امنیتي مسوولینو دغه وضع د پردیو هڅه وګڼله او ځینو نورو بیا د دولت د دوستانو عمل وګاڼه. چې له همدې امله له یوې خوا یې د دولت په کړیو کې د ناهمغږۍ غمازي په توګه کړه او له بلې خوا یې افغان ولس حیران کړی: چې آخر پدې هیواد کې څه روان دي؟!

د زابل ولایت په شاجویې ولسوالۍ چې کله دوه نیمې میاشتې وړاندې د لومړي ځل لپاره د وسلو کومه لارۍ نېول شوې وه. په هغو کې ډېری پرمختللې وسلې او دوربېنونه او نور تجهیزات داسې ډول وسلې او تجهیزات وو. چې تر اوسه له طالبانو سره نه وو لیدل شوي.

د یوې میاشتې کمې مودې راهیسې د هیواد په ختیځو ولایتونو: لکه ننګرهار او کنړ کې هم. د دغه نوي خوځښت چټک پر مختګ او له طالبانو سره یې جګړې او د نهو طالبانو څخه د کوټ په ولسوالۍ کې سرونه پریکول. دغه معما نوره هم پېچلې کړه: چې څنګه کېداې شي د ننګرهار په نهو ولسوالیو کې په ډېر چټک پر مختګ سره دغه ډله نفوذ وکړي او د دوی او طالبانو تر مینځه درنې جګړې پیل شي. او ورسره سم دا خبرونه له رسنیو څخه خپریږي چې داعش تر اوسه د افغان دولت سره د جګړې کومه تابیا نېولې نده او نه ورسره جګړه کول غواړي.

خو عجیبه داده چې کومه ډله چې له طالبانو څخه د لید لورې له مخې هم تنده اوسي. څنګه به د افغان دولت سره جګړه و نه کړي او افغان دولت یې له ګواښ څخه نه ویریږي: پداسې حال کې چې طالبان له دوې څخه د لید لورې له مخې دولت ته ښایې نږدې اوسي.

۷مخ

ادعای پر حرارت و شوخی با ظرافت!

□ **فقیری**

برنامهٔ تلویزیون بی بی سی را می دیدم با برنامهٔ مبتنی بر منشا پیدایش انسان و تنوع نسل آنان و این که چگونه نسل انسان در مسیر هزاران و میلیون ها سال تنوع پیدا کرده و به تدریج از میمون به انسان مبدل شده است!

فرضیهٔ معروف "داروین" است که ممکن است انسان ها از میمون در مدت بسیار طولانی به انسان تغییر شکل داده اند......

رفقای کمونیست ، در سالهای قبل از قدرت سیاسی، در بحث ها با جوانان مسلمان به این نکته بسیار پا فشاری می کردند که، از نسل میمون یا شادی هستیم! ادعاهای پرحرارت کمونیست ها در همه موارد و به ویژه در مورد نسل انسان و اینکه انسان ها از شادی به دنیا آمده اند، بسیار جدی و حیرت انگیز بود! کمونیست ها که برای دشمنی با خدا و دین خدا کمر بسته بودند، از هر نظر و فکر برضد اسلام استفاده می کردند و این فرضیهٔ "داروین" را نیز جزء افکار کمونیستی شان قرار داده بودند که خود را نه انسان بلکه، از نسل شادی و میمون بدانند!

ما همواره از ادعاهای پر حرارت کمونیست ها و اصول به اصطلاح علمی صد درصد آنان با حرارت و گلوهای پندیده و چشمان بر افروخته مواجه می شدیم! همیشه از جبر تاریخ صحبت می کردند و این که انقلاب پرولتاریا به زودی و با یک طوفان سرخ و انقلابی آمدنی است و همه مرتجعان و چاکران کاپیتالیسم را چون خس و خاشاک از راه بر می دارد، و کارگران به قدرت می رسند و جامعه بی طبقه به صورت صد درصد تشکیل خواهد شد و چنین و چنان خواهد شد.......

اما این بیچاره ها اطلاع نداشتند که در اصل میان نظریه و فرضیه فرق وجود دارد و هر فرضیه را نمی توان پذیرفت! "داروین" نیز هرگز نگفته که این فرضیهٔ من صد درصدی است و جزء جبر تاریخ است!

کمونیست های بدبخت که در زمینهٔ پیدایش انسان به فرضیهٔ داروین پناه برده بودند، با همان جدیت و سر سختی در مورد همه افکار شان، در این زمینه نیز با حرارت و شدت، دفاع می کردند و انسان را از نسل میمون یا شادی می دانستند!

در یکی از این بحث ها در منطقهٔ چهاردهی ولایت لغمان، چند کمونیست با حرارت و احساسات زیاد، پا فشاری داشتند که ما از نسل میمون هستیم و یک جوان مسلمان به تکرار می گفت که ما همه از نسل آدم علیه السلام هستیم و بشر همه از نسل اوست چه مسلمان، چه مسیحی، چه یهودی و چه هندو و ملحد و کافر و .... اما کمونیست ها بر بنیاد همین فکر پوسیده و تاریخ گذشته، پا فشاری داشتند که ما از نسل شادی هستیم.

پس در نهایت بحث و جدل، برادر مسلمان ما نتیجه را اعلان کرد:

من و پدران ما همه به این عقید راسخ و محکم و استوار هستیم که همه ابنای آدم و از خانوادهٔ بزرگ او هستیم و باز هم تکرار می کنیم که ما اولاد آدم هستیم و شما که باور ندارید و خود را از نسل شادی و میمون می دانید، شما را به اختیار خودتان می گذاریم و فیصله می کنیم که: ما از نسل آدم علیه السلام و شما از نسل شادی!